

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

گروه پژوهشی گیلان‌شناسی (گرایش فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی)

میراث طبیعی – فرهنگی و توسعه‌ی پایدار (نمونه‌ی موردی: شهر ماسوله)

از

ستاره صفا

استاد راهنما: دکتر مجید یاسوری

استاد مشاور: محمدعلی محمدی

اسفند ۱۳۸۹

انجام این پژوهش را مدیون استاد گرانقدر، دکتر مجید یاسوری هستم که بدون یاری ایشان، این پژوهش هرگز به سرانجام نمی‌رسید، همچنین آقای محمدعلی محمدی که در تکمیل پایان‌نامه از راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره بردم.

از مدیریت و اعضای محترم هیئت علمی و مسئولین آموزش پژوهشگاه گیلان‌شناسی به‌خاطر زحمات ایشان کمال سپاسگذاری را دارم.

از خانواده‌ی عزیزم که همواره تحصیلات را برایم در اولویت قرار دادند، به‌خاطر زحمات بی‌شائبه‌شان متشکرم. از همسر مهربانم که در طی تکمیل پایان‌نامه همراهم بود و همواره با بردباری یاریم نمود صمیمانه سپاسگذارم.

همچنین متشکرم از دوستان و هم‌کلاسی‌های عزیزم که مایه‌ی دلگرمی‌ام بودند.

جا دارد از تمامی عزیزانی که در پیشبرد کار میدانی و مطالعات مربوط به ماسوله با بنده همکاری نموده و اطلاعاتشان را در اختیارم قرار دادند، تشکری ویژه به عمل آورم؛

آقای بهروز انشیه، آقای مهیار نقی‌بی (عضو شورای شهر ماسوله)، آقای فرهاد شرفی ماسوله، آقای دکتر اسماعیل پور (مدیریت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی استان گیلان)، مدیریت و کارکنان محترم پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری ماسوله، آقای فاضلی (استاد گره‌چین)، آقای جمالی (استاد چموش‌دوز)، آقای صالحی (مدیریت مؤسسه‌ی حفظ و توسعه‌ی پایدار ماسوله)، آقای گلشن (عضو مؤسسه‌ی حفظ و توسعه‌ی پایدار ماسوله)، خانم انساندوست، خانم همتی، آقای عارف (شهردار سابق ماسوله) و تمامی دوستانی که مرا راهنمایی نمودند.

میراث طبیعی- فرهنگی و توسعه‌ی پایدار (نمونه‌ی موردی: شهر ماسوله)

ستاره صفا

هدف اصلی از انجام این پژوهش، پی بردن به وضعیت، چگونگی و ارتباط میان میراث طبیعی- فرهنگی و توسعه‌ی پایدار است که به صورت موردی در ماسوله به‌انجام رسیده است. در روند کار با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی؛ سبک معماری، آداب و رسوم خاص، نوع خوراک و پوشاک و صنایع دستی به‌عنوان بخش مهمی از ابعاد میراث طبیعی- فرهنگی شهر ماسوله شناخته و معرفی شده است. با بررسی مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار در منطقه، شاهد ناپایداری‌هایی در ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی هستیم. ناپایداری‌هایی از قبیل اشتغال ناپایدار و فصلی، عدم مشارکت مردم در امر توسعه، تعارض میان منافع فردی و جمعی، عدم آموزش صحیح در مسیر توسعه، تخریب محیط‌زیست و میراث فرهنگی، تضعیف ارزش‌های فرهنگی منطقه، بی‌توجهی به دانش بومی و ... که مهاجرت اهالی و به‌خصوص جوانان را باعث شده‌اند.

باتوجه به محدودیت‌های منابع طبیعی؛ گردشگری می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین منبع اشتغال‌زایی نقش بسیار مؤثری در پایداری اقتصادی منطقه داشته باشد. از آنجاکه امروزه در ماسوله گردشگری وابسته به میراث طبیعی- فرهنگی، تنها منبع درآمد و دلیل ماندگاری اهالی باقی‌مانده در شهر است، اهمیت این میراث بیش از پیش نمایان می‌شود. لذا، تأکید بر میراث طبیعی- فرهنگی در ایجاد ثبات فرهنگی- اجتماعی، هویت‌بخشی جامعه و توسعه‌ی درون‌زا از مهم‌ترین راهکارهاست. در نتیجه حفاظت، گسترش و بسط این میراث از مهم‌ترین اقدامات جهت رفع ناپایداری‌ها و دستیابی به توسعه‌ی پایدار در ماسوله تلقی می‌گردد.

کلید واژه: میراث طبیعی- میراث فرهنگی- میراث طبیعی- فرهنگی- توسعه‌ی پایدار- ماسوله

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۳
۱-۱- طرح مسأله.....	۴
۲-۱- ضرورت تحقیق.....	۱۰
۳-۱- هدف و سئوالات تحقیق.....	۱۲
۴-۱- روش تحقیق.....	۱۲
۵-۱- پیشینه‌ی تحقیق.....	۱۴
منابع فصل اول.....	۱۸
فصل دوم: مبانی نظری.....	۲۱
۱-۲- میراث طبیعی.....	۲۲
۲-۲- میراث فرهنگی.....	۲۳
۳-۲- میراث طبیعی- فرهنگی.....	۲۵
۴-۲- توسعه‌ی پایدار.....	۳۰
۱-۴-۲- توسعه‌ی پایدار، در برنامه‌ی چهارم توسعه.....	۳۸
۵-۲- دانش بومی.....	۴۲
۶-۲- فرهنگ و توسعه.....	۴۳
۷-۲- گردشگری.....	۴۵
۸-۲- میراث طبیعی- فرهنگی و توسعه‌ی پایدار.....	۴۸
منابع فصل دوم.....	۵۳
فصل سوم: معرفی ویژگی‌های منطقه‌ی مورد مطالعه.....	۵۶
مقدمه.....	۵۷
۱-۳- ویژگی‌های طبیعی.....	۵۸
۱-۱-۳- موقعیت جغرافیایی.....	۵۸
۲-۱-۳- توپوگرافی.....	۶۲

- ۶۲.....۳-۱-۳- زمین‌شناسی و وضعیت خاک
- ۶۳.....۴-۱-۳- خصوصیات اقلیمی
- ۶۳.....۱-۴-۱-۳- درجه حرارت
- ۶۴.....۲-۴-۱-۳- بارندگی
- ۶۴.....۳-۴-۱-۳- رطوبت نسبی
- ۶۵.....۴-۴-۱-۳- یخبندان
- ۶۵.....۵-۴-۱-۳- باد
- ۶۶.....۵-۱-۳- منابع آب
- ۶۶.....۱-۵-۱-۳- رودخانه
- ۶۶.....۲-۵-۱-۳- چشمه
- ۶۸.....۶-۱-۳- پوشش گیاهی
- ۶۸.....۷-۱-۳- ویژگی‌های جانوری
- ۷۰.....۲-۳- ویژگی‌های انسانی
- ۷۰.....۱-۲-۳- مقدمه
- ۷۱.....۲-۲-۳- ویژگی‌های جمعیت
- ۷۲.....۳-۲-۳- تقسیمات سیاسی و سکونت‌گاه‌ها
- ۷۳.....۱-۳-۲-۳- نظام شهری و محلات
- ۷۶.....۲-۳-۲-۳- کاربری اراضی
- ۷۷.....۳-۳-۲-۳- مسیرهای درون شهر
- ۷۸.....۴-۲-۳- ویژگی‌های فرهنگی
- ۷۸.....۱-۴-۲-۳- قومیت
- ۷۸.....۲-۴-۲-۳- زبان
- ۷۸.....۳-۴-۲-۳- مذهب
- ۷۹.....۴-۴-۲-۳- صنایع دستی
- ۸۰.....۵-۴-۲-۳- اماکن مذهبی و زیارتی
- ۸۰.....۱-۵-۴-۲-۳- مساجد

- ۸۱.....۲-۳-۴-۵-۲- امامزاده‌ها.
- ۸۲.....۳-۲-۴-۶- اماکن تاریخی.
- ۸۳.....۳-۲-۴-۷- نام‌داران ماسوله.....
- ۸۴.....۳-۲-۴-۸- ماسوله در سفرنامه‌های سیاحان خارجی.....
- ۸۵.....۳-۳- ویژگی‌های اقتصادی.....
- ۸۵.....۳-۳-۱- فعالیت و اشتغال.....
- ۸۶.....۳-۳-۲- انواع فعالیت.....
- ۸۶.....۳-۲-۱- گردشگری در ماسوله.....
- ۸۸.....۳-۲-۱-۱- وضعیت تأسیسات شهری.....
- ۹۰.....۳-۲-۱-۲- وضعیت تجهیزات شهری.....
- ۹۰.....۳-۲-۱-۳- وضعیت تجهیزات و امکانات گردشگری.....
- ۹۲.....منابع فصل سوم.....
- ۹۴.....فصل چهارم: دستاوردهای تحقیق.....
- ۹۵.....۴-۱- میراث طبیعی- فرهنگی ماسوله.....
- ۹۵.....۴-۱-۱- معماری.....
- ۹۶.....۴-۱-۱-۱- ویژگی‌های واحدهای مسکونی.....
- ۹۹.....۴-۱-۱-۲- طریقه‌ی ساخت خانه‌های قدیمی ماسوله.....
- ۱۰۰.....۴-۱-۱-۳- نمای خانه‌ها.....
- ۱۰۱.....۴-۱-۱-۴- پنجره‌های چوبی.....
- ۱۰۷.....۴-۱-۲- صنایع دستی.....
- ۱۰۷.....۴-۱-۲-۱- چموش.....
- ۱۰۸.....۴-۱-۲-۲- سازه‌های فلزی.....
- ۱۰۹.....۴-۱-۲-۳- جوراب‌های پشمی.....
- ۱۱۰.....۴-۱-۳- مراسم و مناسبت‌ها.....
- ۱۱۰.....۴-۱-۳-۱- مراسم عزاداری ماه محرم.....
- ۱۱۲.....۴-۱-۳-۲- مراسم عروسی.....

۱۱۳	۳-۳-۱-۴ - مراسم چهارشنبه سوری
۱۱۳	۴-۱-۴ - باورها و اعتقادات
۱۱۶	۵-۱-۴ - خوراک
۱۱۷	۶-۱-۴ - پوشاک
۱۱۹	۲-۴ - بررسی مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار در ماسوله
۱۱۹	۱-۲-۴ - مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار در بعد اجتماعی - فرهنگی
۱۱۹	۱-۱-۲-۴ - مشارکت مردم در امر توسعه (NGO ها)
۱۱۹	۲-۱-۲-۴ - علم و آموزش
۱۱۹	۳-۱-۲-۴ - حفظ و اشاعه‌ی ارزش‌ها، باورها و پیشینه‌ی تاریخی
۱۲۲	۴-۱-۲-۴ - ناپایداری در حوزه‌ی اجتماعی - فرهنگی
۱۲۴	۲-۲-۴ - مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار در بعد اقتصادی
۱۲۵	۳-۲-۴ - مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار در بعد زیست محیطی
۱۲۶	۱-۳-۲-۴ - عدم حفاظت از منابع طبیعی
۱۲۸	۳-۴ - آمار و نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه‌ها
۱۳۴	منابع فصل چهارم
۱۳۶	فصل پنجم: جمع‌بندی و پیشنهادها
۱۴۹	منابع فصل پنجم
۱۵۰	فهرست منابع فارسی
۱۵۴	فهرست منابع لاتین
۱۵۵	فهرست منابع اینترنتی
۱۵۶	پیوست

۱-۳- متوسط دمای ماهیانه‌ی ایستگاه ماسوله (۱۳۸۴ - ۱۳۷۰).....	۶۴
۲-۳- متوسط میزان بارندگی ماهیانه‌ی ایستگاه ماسوله (۱۳۸۴ - ۱۳۷۰).....	۶۴
۳-۳- میانگین رطوبت نسبی ماهیانه‌ی ایستگاه ماسوله (۱۳۸۴ - ۱۳۷۰).....	۶۵
۴-۳- تعداد روزهای یخبندان حوضه‌ی ماسوله.....	۶۵
۵-۳- میانگین شدت باد در ایستگاه ماسوله (۱۳۸۴ - ۱۳۷۰).....	۶۵
۶-۳- جمعیت شهر ماسوله در سال‌های ۵۵، ۶۵، ۷۵ و ۸۵ طبق اطلاعات مرکز آمار ایران.....	۷۱
۷-۳- میزان رشد سالانه‌ی جمعیت ماسوله.....	۷۱
۸-۳- نرخ سواد در شهر ماسوله.....	۷۲
۹-۳- کاربری‌های غالب شهر ماسوله.....	۷۶
۱۰-۳- توزیع جمعیت ده ساله و بالاتر شهر ماسوله برحسب جنس و وضع فعالیت در سال ۸۵.....	۸۵
۱-۴- مشخصات پرسش‌شوندگان.....	۱۲۸
۲-۴- نتایج سؤال اول پرسش‌نامه.....	۱۲۸
۳-۴- نتایج سؤال دوم پرسش‌نامه.....	۱۲۹
۴-۴- نتایج سؤال سوم پرسش‌نامه.....	۱۲۹
۵-۴- نتایج سؤال چهارم پرسش‌نامه.....	۱۲۹
۶-۴- نتایج سؤال پنجم پرسش‌نامه.....	۱۳۰
۷-۴- نتایج سؤال ششم پرسش‌نامه.....	۱۳۰
۸-۴- نتایج سؤال هفتم پرسش‌نامه.....	۱۳۱
۹-۴- نتایج سؤال هشتم پرسش‌نامه.....	۱۳۱
۱۰-۴- نتایج سؤال نهم پرسش‌نامه.....	۱۳۱
۱۱-۴- نتایج سؤال دهم پرسش‌نامه.....	۱۳۲
۱۲-۴- مشکلات و درخواست‌های مردم ماسوله.....	۱۴۲

۱-۲- مدل مفهومی تحقیق.....	۵۲
۱-۳- نقشه‌ی استان گیلان.....	۵۹
۲-۳- نقشه‌ی شهرستان فومن.....	۶۰
۳-۳- نقشه‌ی شهر ماسوله.....	۶۱
۴-۳- نقشه‌ی رودها و چشمه‌های ماسوله.....	۶۷
۵-۳- نامه‌ی وزارت داخله‌ی حکومت گیلان و طوالتش.....	۷۳
۶-۳- نمایی از بازار ماسوله.....	۷۵
۷-۳- نمایی از کفی بازار ماسوله.....	۷۵
۸-۳- نمونه‌های چموش ماسوله.....	۷۹
۹-۳- نمونه چاقوهای ساخت ماسوله.....	۷۹
۱۰-۳- کارگاه چاقوسازی در ماسوله.....	۷۹
۱۱-۳- نمونه‌های جوراب و دستکش پشمی در ماسوله.....	۸۰
۱۲-۳- عروسک، جوراب و دیگر بافته‌های کاموایی.....	۸۰
۱۳-۳- نمونه‌های پنجره‌های چوبی در ماسوله.....	۸۰
۱۴-۳- نمایی از مسجد قنبرآباد.....	۸۱
۱۵-۳- نمایی از امامزاده عون بن علی (ع).....	۸۲
۱۶-۳- گنبد قدیمی امامزاده عون بن علی (ع).....	۸۲
۱-۴- نماهایی از شهر تاریخی ماسوله.....	۹۶
۲-۴- نمونه‌ی یک خانه‌ی بدون تالار (بریه‌که).....	۱۰۱
۳-۴- نمونه‌ی یک خانه‌ی تالاردار (تالارکه).....	۱۰۱
۴-۴- مته (از ابزار قدیمی نجاری در ماسوله).....	۱۰۲
۵-۴- اره‌ی برقی.....	۱۰۳
۶-۴- ابزاری جهت برش نقش‌های انحنادار از چوب.....	۱۰۳
۷-۴- نمونه‌ی یک ارسی قدیمی.....	۱۰۴

- ۸-۴- نمونه‌ی روزن و سربریه..... ۱۰۴
- ۹-۴- نمونه‌های شبکه‌های چوبی جلوی پنجره..... ۱۰۴
- ۱۰-۴- نمونه‌های پنجره‌هایی که از اتصال گره ساخته شده‌اند..... ۱۰۵
- ۱۱-۴- نمونه‌های پنجره‌های مشبک..... ۱۰۵
- ۱۲-۴- نمایی از یک چشمه در ماسوله..... ۱۱۴
- ۱۳-۴- پوشش قدیمی زنان ماسوله..... ۱۱۸
- ۱۴-۴- موزه‌ی مردم‌شناسی ماسوله..... ۱۲۱
- ۱۵-۴- عکس‌هایی از اشیاء داخل موزه‌ی مردم‌شناسی..... ۱۲۲
- ۱۶-۴- نمونه‌هایی از ساختمان‌های تخریب شده در ماسوله..... ۱۲۳
- ۱۷-۴- نمونه‌هایی از ساخت و سازهای متضاد با بافت ماسوله..... ۱۲۴
- ۱۸-۴- آلودگی ماسوله رودخان توسط فاضلاب..... ۱۲۷
- ۱۹-۴- پل جدید بتنی در ماسوله..... ۱۲۷

مقدمه

خلقت انسان، به گونه‌ای سرآغاز ایجاد تغییراتی در جهان طبیعت بود، چراکه این عضو جدید با دیگر موجودات فرق داشت و موفق شد برای رفع نیازهای خود تغییراتی در محیط اطرافش ایجاد کند. در ابتدا، انسان نیز مانند دیگر موجودات، تحت تأثیر طبیعت قرار دارد و از تغییرات طبیعی پیرامون خود متحیر است. همین تحیر و شگفتی به پرستش طبیعت و شکل‌گیری الهه-های طبیعی می‌انجامد و اینگونه انسان احترام و خضوع خود را نسبت به طبیعت نشان می‌دهد.

با گذشت زمان، انسان می‌آموزد که چگونه از تنوع طبیعت برای بهبود زندگی خود بهره گیرد. پس از گذشت قرون متمادی و پیشرفت بشر، بهره‌کشی او از طبیعت به‌منظور دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی، تا حد قابل توجهی افزایش می‌یابد که این رفتار محیط طبیعی، که در واقع محیط زندگی بشر است را به‌خطر می‌اندازد و این روند تا به امروز ادامه دارد.

به اجمال می‌توان گفت که ارتباط انسان با طبیعت در چهار دوره قابل بررسی است. دوره‌ی اول، دوره‌ای است که انسان به-شدت مقهور طبیعت است و تمام کوشش او مصروف بقای خویش و بهره‌گیری از طبیعت می‌باشد. در دوره‌ی دوم که تا ظهور انقلاب صنعتی ادامه دارد، انسان زندگی مسالمت‌آمیزی با طبیعت دارد. استفاده از طبیعت در حد نیاز انسان و بدون تخریب جدی و انهدام طبیعت انجام می‌پذیرد. با ظهور انقلاب صنعتی و به‌خدمت گرفتن ماشین که در پی ظهور آراء و تفکرات نو در مورد دین و انسان و جهان هستی و ارتباط آن‌ها همراه است، انسان خویش را مالک مطلق‌العنان و بی‌چون و چرای جهان می‌پندارد و در جهت دستیابی به بازدهی حداکثر اقتصادی دست به بهره‌گیری نامحدود از منابع طبیعی می‌زند و به‌جهت ناآگاهی و ناآشنایی به عواقب چنین عملی به تخریب طبیعت آغاز می‌گردد به‌نحوی که اثرات زیانبار آن به‌مرور آشکار می‌شود. امروزه در این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که ادامه‌ی چنین روندی به انهدام جهان و انقراض نسل بشر خواهد انجامید (تقی-زاده و امین‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۴).

درنتیجه، بشر پیشرفته به‌فکر افتاد تا راهی برای استفاده‌ی بهینه از محیط طبیعی و رفع نیازهای خود، با توجه به محدودیت-های منابع طبیعی بیابد. تفکر زندگی پایدار، اندیشه‌ی توسعه‌ای همه‌جانبه، که منحصر به پیشرفت اقتصادی نیست را به‌وجود آورد و ارزش محیط زندگی و منابع طبیعی را برای وی آشکار ساخت.

اگر انسان به‌دنبال زندگی پایدار در کره‌ی زمین است باید ابتدا معنای تنوع طبیعی را با توجه به ابعاد آن در زندگی و تأثیری که از طریق علوم، جامعه و معنویت بر زندگی‌اش دارد، بپذیرد و در مرحله‌ی بعد مجدداً به آن احترام بگذارد. اما درک،

پذیرش و احترام به این تنوع طبیعی کافی نیست، باید رفتار خود را براساس حفاظت از این تنوع طراحی نموده و این رفتار باید در نوع استفاده از زمین و راه‌های رسیدن به توسعه پایدار جامعه‌ی انسانی متجلی باشد (میسر، ۱۳۸۲: ۴۳۴).

امروزه تمامی جوامع بشری برای رسیدن به پایداری می‌کوشند، البته دستیابی به پایداری مطلق و همه‌جانبه امکان‌پذیر نمی‌باشد، ولی پیش بردن تمامی ابعاد توسعه پایدار (ابعاد اجتماعی- فرهنگی، زیست‌محیطی و اقتصادی) و سطح رضایت مردمان، تفاوت میان جوامع توسعه‌یافته و درحال توسعه را مشخص می‌سازد.

ایران، به‌عنوان یک کشور درحال توسعه، شدیداً نیازمند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه پایدار است. پیشینه‌ی تاریخی ایران در دوران باستان و پس از آن و تمدن و فرهنگ ایرانیان در اعصار و دوره‌های گذشته همواره باعث مباهات و افتخار ما ایرانیان بوده است. آثار به‌جای مانده از اجدادمان، که نشان از این فرهنگ و تمدن دارند، چگونگی تعامل و ارتباط آنان با طبیعت را در دوره‌های مختلف می‌نمایاند. از آن زمان که عناصر طبیعی مورد پرستش قرار می‌گرفته تا زمانی که انسان طبیعت را در اختیار گرفت و به ساخت شهرها، آفرینش هنرها و پیشرفت نائل آمد.

باتوجه به این مطالب، به‌نظر می‌رسد درس گرفتن از گذشتگان که علت به‌وجود آمدن علم تاریخ است، می‌تواند در حرکت به‌سمت توسعه پایدار یاریمان کند. شناخت منش و روش زندگی گذشتگان که پیشینه‌ی منش و روش امروزمان است، بررسی آنچه که تمدن و فرهنگ ایرانیان را برجسته ساخته، حفظ آثار به‌جای مانده از گذشتگان و شناخت هویت ایرانیان، به‌همراه بهره‌گیری از پیشرفت‌های بشر و تکنولوژی روز دنیا، می‌تواند به‌سمت توسعه پایدار سوقمان دهد.

امروزه دستیابی به توسعه پایدار در هر کشوری مطابق شرایط و پیشینه‌ی همان کشور برنامه‌ریزی می‌شود، تا بتوان به توسعه‌ی درون‌زا و پایدار دست یافت. در ایران نیز باتوجه به پیشینه‌ی تمدن و فرهنگ این سرزمین، میراث به‌جای مانده از گذشتگان می‌تواند به توسعه‌ی درون‌زا و پایدار در کشور بیانجامد.

فصل اول

کلیات

۱-۱- طرح مسأله

انسان با طبیعتی در ارتباط است که رود، کوه، جنگل و دریا، باد، خاک، خورشید، کویر و... از مظاهر آن هستند و نقش این مظاهر طبیعی در حیات و معیشت انسان غیرقابل انکار است. به دلیل ارزشمندی و اهمیت این عناصر طبیعی در زندگی انسان، میراث طبیعی شکل گرفته است. براساس تعریف مبنایی ارائه شده در کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو میراث طبیعی به تشکلهای فیزیکی، زیست‌شناختی و زمین‌شناختی، محل زیست گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر و مناطق دارای ارزش علمی و حفاظتی و زیباشناسی اطلاق می‌شود (رفیعی، ۱۳۸۷، <http://www.hamshahronline.ir/news-47552.aspx>).

برخی معتقدند رفتار انسان در قبال طبیعت، فرهنگ را به وجود می‌آورد و فرهنگ‌های مختلف ریشه در طبیعت و اقلیم مناطق خاص دارند؛ چراکه طبیعت، فعالیت و نوع خاص زندگی انسان را در گذشته تعیین می‌کرده است و به همین دلیل فرهنگ مردم کوهستانی با مردم کویرنشین یا جلگه‌نشین متفاوت است. هر محیط جغرافیایی رفتاری خاص را به وجود می‌آورد و به همراه این رفتار آداب و رسوم، آیین‌ها، پوشش و گویش خاص شکل می‌گیرند که میراث فرهنگی انسان هستند.

طبق تعریف قانون اساسنامه‌ی سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۶؛ "میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد و با شناسایی آن زمینه‌ی شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید" (www.ichto.ir/ravabetomoomi/tabid/.../Default.aspx). این آثار می‌تواند شامل آداب مربوط به خوراک و پوشاک، سبک‌های معماری، موسیقی، هنر، زبان، گویش‌های محلی، آداب مراسم محلی، مذهب و... باشد.

گاهی شیوه‌ی استفاده‌ی انسان از طبیعت با تقدیس عنصر طبیعی و یا نمادین شدن آن در فرهنگی خاص همراه است. در این صورت عنصر طبیعی ماهیت فرهنگی پیدا می‌کند و وارد عرصه‌ی فرهنگ می‌شود. این عنصر طبیعی که وارد فرهنگ می‌شود متشکل از انسان و طبیعت و امری طبیعی و فرهنگی است. عامل فرهنگی (باورها، اعتقادات، اسطوره‌ها و...) و صورت‌های رفتاری این اعتقادات (آداب، رسوم و...) بر عامل طبیعی افزوده شده و آن را به یک عنصر فرهنگی تبدیل می‌کنند. این پدیده‌ها از مقوله‌ی میراث فرهنگی‌اند که آن‌ها را میراث طبیعی- فرهنگی می‌نامیم. آن بخش از میراث فرهنگی مادی که با طبیعت هم‌ساز شده‌اند نیز از مقوله‌ی میراث طبیعی- فرهنگی‌اند. همچون نیایشگاه‌هایی که در دامنه یا بلندی کوه‌های مقدس قرار گرفته‌اند و کوه به سبب آن‌ها تقدس یافته است. "چراکه جانمایه‌ی تقدس آن‌ها، نه در بنا و سازه‌ی معماری، بلکه اندیشه و اعتقادی است که در جان بنا نشسته و در آن صورت ذهنی است که هم می‌تواند بر آثار پدیدار (مادی) انسان، چون نیایشگاه و

زیارتگاه بنشینند و هم می‌تواند بر سنگ و کوه و چشمه که پدیده‌های ملموس بیرون از شمول مفهوم انسان ساخت هستند قرار بگیرد" (میرشکرایبی، ۱۳۸۴: ۸). بنابراین هر آنچه که بر اثر استفاده‌ی انسان از طبیعت به فرهنگ تبدیل شده و اعتقادات، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، آداب و رسوم و سنن خاصی را برای انسان به یادگار گذاشته است، میراث طبیعی- فرهنگی نامیده می‌شود. این میراث نشانگر ریشه‌های تاریخی و فرهنگی جوامع بشری است که به مرور زمان در بطن جوامع نهادینه شده است.

"میراث‌های طبیعی و فرهنگی بیان‌کننده‌ی پیشینه‌ی تاریخی، تمدن و فرهنگ هر کشوری است که شکل‌گیری و به‌وجود آمدن آن در طی سالیان متمادی صورت گرفته‌است. نیروها و عواملی که پدیدآورنده‌ی این‌گونه آثار طبیعی و انسانی هستند در طول زمان و در شرایط مکانی خاص خود عملکردهای متفاوتی داشته‌اند و آنچه که ما امروز شاهد آنیم و تحت عنوان میراث طبیعی و فرهنگی از آن نام می‌بریم در بعد طبیعی آن حاصل تأثیر عوامل طبیعی بر یکدیگر و دخل و تصرفات عوامل انسانی بر آن‌هاست که چشم‌اندازهای متنوعی را به وجود آورده است و به‌لحاظ دارا بودن ویژگی‌های خاص خود از دیگر پدیده‌های طبیعی متمایز است" (رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۸).

حال باید این نکته را در نظر داشت که میراث طبیعی، که روزی انسان کاملاً وابسته به آن بوده، امروزه وابسته به انسان است و به دلیل نیازهای روزافزون بشر پیشرفته و مدرن در معرض نابودی قرار دارد و یا به دلیل سازه‌های عصر جدید و فعالیت‌های انسانی کاربرد مفید و مثبت آن خطرناک و مخرب شده است.

این آسیب‌های جبران‌ناپذیر وارده بر طبیعت که باعث از بین رفتن فرهنگ نیز می‌شود از فعالیت‌های سهل‌انگارانه‌ی انسان‌ها و بی‌توجهی آن‌ها ناشی می‌شود که در آخر نیز به زیان خودشان است. از طرفی انسان‌ها می‌توانند با ابزار تکنولوژیکی که خود اختراع کرده‌اند و همچنین کمی تفکر و تأمل در جهت حفظ و نگهداری منابع و میراث طبیعی و به تبع آن میراث فرهنگی خود گام بردارند. یکی از این اقدامات، تشکیل سازمان‌های دولتی و غیردولتی، محلی و منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر حفظ میراث طبیعی- فرهنگی است که سازمان بین‌المللی یونسکو از آن جمله است. نهادهای غیردولتی و خودگردان حفاظت از میراث طبیعی و اشاعه‌ی میراث فرهنگی نیز نشان از این دارند که بشر هوشمند به تأثیر و اهمیت میراث طبیعی- فرهنگی در زندگی پی برده است. صنعت گردشگری نیز که ارتباط تنگاتنگ با میراث طبیعی- فرهنگی دارد می‌تواند علاوه بر سودآوری قابل توجه اقتصادی، از عوامل مؤثر در حفظ و توسعه‌ی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع باشد.

برای جلوگیری از تخریب و نابودی طبیعت در کنار پیشرفت و توسعه‌ی جوامع بشری، نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار مطرح شده است. هدف توسعه‌ی پایدار، حفظ محیط زیست انسان و منابع طبیعی به عنوان بستر و زمینه‌ساز توسعه و در عین حال بالا بردن کیفیت زندگی انسان از طریق حمایت از ظرفیت تحمل اکوسیستم‌ها و حفظ ارزش‌های انسانی، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم محلی می‌باشد. نتیجه‌ی آن بهره‌مندی معقول از منابع طبیعی و رفع نیازهای کنونی بشر و همچنین در نظر گرفتن نیاز زندگی نسل‌های آتی است. در واقع توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ای همه‌جانبه است که صرفاً به پیشرفت اقتصادی یا توسعه‌ی اجتماعی

نمی‌اندیشد، بلکه هدفش توسعه‌ای است که تمام مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در نظر می‌گیرد و هیچ‌یک از آن‌ها را برای تحقق دیگری نادیده نمی‌انگارد و متکی به خود و درون‌زاست.

"توسعه‌ی درون‌زا، توسعه‌ای است که با استفاده از منابع داخلی صورت پذیرد و زمانی تحقق می‌یابد که سطح آگاهی و دانش و امکانات و توانمندی و علاقه‌مندی جامعه به‌حدی رسیده باشد که بتواند از درون خود با توجه به فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی و ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جامعه و با استفاده از تمامی نیروهای موجود، اقدام به تلاش برای دستیابی به اهداف مطلوب مادی و معنوی خویش نماید. این توسعه، توسعه‌ی حقیقی است؛ زیرا سرچشمه‌ی تولید و ابداع و خلاقیت در داخل جامعه شکل گرفته است" (نظریور، ۱۳۷۸: ۹۶).

در تمامی تعاریف توسعه‌ی پایدار تأثیر محیط بر زندگی انسان مشهود است و با توجه به آنچه پیش از این گفته شد، از ارتباط میان انسان و محیط، فرهنگ‌ها شکل می‌گیرند. در نتیجه محیط طبیعی و فرهنگ از ضروریات توسعه‌ی پایدار به شمار می‌آیند. در واقع پایداری جوامع انسانی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مجموعه عواملی بستگی دارد. این عوامل با محوریت انسان در پی شکل‌گیری ارزش‌ها و رفتاری است که تحت عنوان میراث طبیعی و فرهنگی در پیشبرد اهداف توسعه‌ی پایدار نقش‌آفرینی می‌کنند.

از آنچه گفته شد می‌توان به ارتباط میان میراث طبیعی- فرهنگی و توسعه‌ی پایدار پی برد. از آنجاکه میراث طبیعی- فرهنگی از دو عامل انسان و محیط تشکیل شده است که از ارکان توسعه‌ی پایدار هستند، پس پایداری آن‌ها توسعه‌ی پایدار را موجب می‌شود. در نتیجه ابتدا باید ابعاد و چگونگی پایداری انسان و محیط و شکل‌گیری میراث بررسی شود؛ پایداری جوامع انسانی وقتی صورت می‌پذیرد که ارزش، فرهنگ و شرایط اقتصادی انسان که وابسته به فعالیت و ابزار اوست پایدار باشند. نمودهای عینی فرهنگ انسانی در ارتباط با محیط طبیعی، در فعالیت‌های انسان، ابزار تولید و شیوه‌های زندگی او تجلی می‌یابد.

پایداری ارزش در مفهوم آن پیداست؛ "ارزش در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره‌ی آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. ارزش‌ها معمولاً از عادت و هنجار نشأت می‌گیرند" (ارزش/ www.wikipedia.org/wiki/ارزش). ارزش به این دلیل نهادینه شده و ارزش نام گرفته است که پایداری را در خود دارد و مستقیماً در زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است. از مجموع این ارزش‌ها، فرهنگ شکل می‌گیرد. ارزش‌ها و فرهنگ‌ها از محیطی به محیط دیگر متفاوتند چراکه انسان‌ها در محیط‌های گوناگون زندگی می‌کنند و متناسب با نوع محیط و قابلیت‌ها و محدودیت‌های محیط دارای رفتارهای متفاوت هستند.

"فرهنگ نشان‌دهنده‌ی حرکت و پویایی جوامع انسانی است. فرهنگ رابطه‌ی عادلانه بین انسان و طبیعت است. فرهنگ آگاهی فرد از شخصیت خود به عنوان یک موجود متفکر دارای اندیشه و آگاهی از روابطش با دیگران در جامعه و با محیط

طبیعی است. انسان فرهیخته هم فردی است که موقعیت و جایگاه خود را درمی‌یابد و حقوق دیگران محترم می‌شمارد. فرهنگ ادراک شخصی هر فردی از زندگی روزمره‌ی خود است که با گذشت زمان و از طریق آموزش و کسب تجربه، شکل آن تکامل می‌یابد. توسعه‌ی فرهنگی نیز از حقوق و تعهدات تمامی ملت‌هاست. همه‌ی فرهنگ‌ها ضمن تنوع و پراکندگی بسیار زیاد و تأثیرات متقابلی که بر یکدیگر دارند، بخشی از میراث مشترکی را می‌سازند که به تمامی نوع بشر تعلق دارد. عوامل محیطی نیز در طرز تفکر و نگرش انسان‌ها مؤثر واقع می‌شوند، زمینه‌ی شکل‌گیری فرهنگ‌ها را در این رابطه به وجود می‌آورند که از محیطی به محیط دیگر متفاوت است. از این‌رو در شکل‌گیری فرهنگ‌ها، عوامل محیطی و انسانی مشترکاً ایفای نقش می‌کنند. به عبارتی فرهنگ نوعی رفتار با طبیعت است و تقویت هویت فرهنگی نیز بیانگر این نکته است که رابطه‌ی بین انسان و طبیعت یک مسئله‌ی فرهنگی است و از توجه به محیط طبیعی ناشی می‌شود" (رضوانی، ۱۳۸۴: ۷۰).

ماندگاری فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی را شکل می‌دهند که در هر جامعه‌ای باتوجه به تاریخ، محیط، و انسان‌ها میراث فرهنگی خاصی شکل می‌گیرد. توسعه‌ی فرهنگی در حفظ و پایداری این میراث نقش دارد.

"توسعه‌ی فرهنگی زمانی خلاق و بارور می‌شود که هویت و سیمای یگانه و حیاتی خود و نقاط مثبت سنت‌ها و آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه را حفظ کند و در عین حال به پالایش عناصر نامطلوب نیز دست یازد، تا بتواند نقش خلاق و سازنده‌ی خویش را در عرصه‌ی اجتماع حفظ نماید. از این‌رو، توسعه‌ی فرهنگی بر پایه‌ی خودباختگی و پشت کردن به باورهای فردی نیست، بلکه مبتنی بر پویایی آگاهانه و خردمندانه است که در جهت حفظ هویت ملی و فرهنگی و استفاده از تمام نیروهای موجود در جامعه، گام برمی‌دارد" (نظری‌پور، ۱۳۷۸: ۴۴). هنگامی که میراث فرهنگی شکل می‌گیرد، بدین معناست که آن فرهنگ پایدار بوده است و توانسته ریشه‌های خود را حفظ کند و پابرجا بماند.

حفاظت از میراث فرهنگی توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای پایداری فرهنگ انسانی مؤثر است. بنابراین شکل‌گیری نهادها و تشکیلاتی که بتوانند در توانمندسازی جوامع انسانی مؤثر واقع شوند، در شکل‌گیری میراث فرهنگی نیز نقش‌آفرینی خواهند کرد.

فعالیت‌های انسان و ابزار مورد نیاز او در انجام این فعالیت‌ها، یکی دیگر از عوامل مؤثر در پایداری اوست. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، انسان برای فعالیت خود در وهله‌ی اول محتاج طبیعت است و محیط تعیین‌کننده‌ی فعالیت‌های نخستین بشر بوده است. این نیاز به طبیعت باعث شده که انسان به فکر حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی خود باشد. ارتباط فعالیت‌های انسان با فرهنگ و ارزش‌های او نیز غیرقابل انکارند که این فرهنگ هم باز به ارتباط طبیعت و انسان برمی‌گردد. پس در اینجا می‌توان ارزشمندی محیط و لزوم حفاظت از آن را درک کرد. در پایداری محیط نیز مانند پایداری انسان عوامل مختلفی تأثیر دارند. عناصر طبیعی مانند، سیل، آتش‌سوزی بر اثر صاعقه، زلزله و فرسایش خاک و... خود ناپایداری‌هایی در محیط ایجاد می‌کنند و گاهی باعث تخریب و از بین رفتن منابع طبیعی می‌شوند. ولی مهم‌ترین نقش در حفاظت یا تخریب محیط و طبیعت را

انسان بر عهده دارد. انسانی که ابتدا زندگیش کاملاً وابسته به طبیعت بود، برای کاهش این وابستگی تلاش کرد. با آغاز تمدن و شهرنشینی رفته‌رفته تخریب طبیعت آغاز شد و پس از آن انسان با کشف تکنولوژی و ماشین‌آلات و ابزاری جدید، که برای فعالیت‌های خود نیازمند آن‌ها بود، خود به تهدیدی برای محیط تبدیل شد. البته باز خود انسان است که می‌تواند با کنترل فعالیت‌ها و نیازهایش، بهره‌برداری از منابع طبیعی و تخریب آن را محدودتر کرده، برای حفظ آن تدابیری بیاندیشد. این امر تنها با مدیریتی بین‌المللی و یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه محقق می‌گردد.

عوامل مختلفی در ایجاد هماهنگی در جوامع بشری و پی‌گیری اهداف توسعه‌ی پایدار بخصوص در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نقش دارند، یکی از آن عوامل نهادها و تشکل‌های غیردولتی است. نقش سازمان‌های غیردولتی و NGO ها با اهداف و راه-کارهای مختلف، جهت حفظ محیط‌زیست و دست یافتن به توسعه‌ی پایدار غیرقابل انکار است.

"کنفرانس جهانی محیط‌زیست و توسعه بر این باور است که نقش کلیدی سازمان‌های غیردولتی بر اساس توانایی‌ها و ظرفیت آن‌ها در گسترش و ترویج توسعه‌ی پایدار، بالابردن ضریب اطمینان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌هاست. [...] همچنین آن‌ها نقش مؤثری در پیوند مردم محلی با دولت‌های ملی داشته‌اند. [...] به‌علاوه این سازمان‌ها با عملکرد بین‌المللی (فراملی) خود سهم بسزایی در اثرگذاری بر توسعه‌ی پایدار عملی (همانند عنصر آگاهی‌بخش، ناظر و دیده‌بان فعالیت‌های دولت‌ها و انجام خدماتی که دولت‌ها قادر به آن نیستند)، دارند. [...] اقدامات و موفقیت‌های ویژه‌ی سازمان‌های غیردولتی متنوع بوده و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی چون صلح سبز "Green Peace" کاملاً شناخته شده‌است که از جمله آن‌ها می‌توان به اقدام برای توقف صید نهنگ، تلاش برای تحریم و جلوگیری از حمل پسماندها و ضایعات خطرناک و تظاهرات بر ضد آزمایش‌های هسته‌ای اشاره کرد" (آ.آلیوت، ۱۳۷۸: ۷۷-۷۶).

نکته‌ی قابل تأمل دیگر در ارتباط با پیوستگی میراث طبیعی- فرهنگی و توسعه‌ی پایدار، صنعت توریسم می‌باشد. با وجود این صنعت پرطرفدار، ضرورت حفاظت از محیط‌زیست و میراث طبیعی و فرهنگی کاملاً احساس می‌شود. توریسم اگر به‌خوبی جهت‌دهی شود به توسعه‌ی پایدار می‌انجامد که علاوه بر مسائل اقتصادی، مسائل طبیعی و فرهنگی نیز از ابعاد مهم این توسعه-ی پایدار به‌شمار می‌رود. جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی در رونق این صنعت نقش بسزایی دارند و گردشگری می‌تواند علاوه بر پایداری اقتصادی، نوعی پایداری فرهنگی نیز در جامعه به‌وجود آورد. تعامل فرهنگی میان جوامع، به کمک گردشگری، می‌تواند به پایداری ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم و میراث طبیعی- فرهنگی آنان بیانجامد. به عبارتی میراث و ارزش‌های محلی در هویت‌بخشی، خودباوری و اعتماد به نفس که از ارکان توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شوند، نقش دارند. توجه گردشگران و افراد غیربومی، به ارزش‌ها و میراث فرهنگی منطقه، افتخار و مباهات به فرهنگ و آداب و رسوم محلی میان بومیان منطقه ایجاد می‌کند. این امر باعث می‌شود که آنان در حفظ و حراست از این ارزش‌ها و فرهنگ بیشتر بکوشند و آن‌ها را قدر بدانند. این فعالیت‌ها در جهت حفظ و صیانت از میراث فرهنگی به قدری اهمیت دارد که سازمان‌های بین‌المللی و از جمله ایکوموس

ICOMOS (شورای بین‌المللی بناها و اماکن)، تهیه و وضع منشورهایی برای ترغیب حراست، تضمین حفاظت، مرمت و ارتقای بناها و محوطه‌های تاریخی، باغ‌ها و دیگر میراث فرهنگی را ضروری بدانند.

"یادمان‌های تاریخی به جای مانده از نسل‌های پیشین، الهام‌بخش پیام گذشته‌اند و همچون شاهدانی زنده‌اند از سنت‌های کهن آن‌ها برای نسل‌های حاضر. مردم بیش از پیش به یکپارچگی ارزش‌های بشری واقف می‌شوند و به یادمان‌های باستانی به منزله‌ی میراثی مشترک می‌نگرند. امروزه همگان باور دارند که حراست از این میراث برای نسل‌های آینده، مسئولیت مشترک همه است. ما موظفیم میراث مشترک را در کمال اصالت به نسل‌های آینده بسپاریم. ضروری است اصول ناظر بر حفظ وضع موجود و مرمت بناهای باستانی، مورد توافق قرار گرفته براساس یک پایه‌ی بین‌المللی وضع شود و هر کشور موظف به اجرای این طرح در چارچوب فرهنگ و سنت‌های خود باشد" (غنمی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۶۰).

به‌عنوان مثال در اصل اول هشتمین پیش‌نویس منشور بین‌المللی گردشگری در ارتباط با ضرورت برنامه‌ریزی برای حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی این‌طور آمده است: "چون گردشگری داخلی و بین‌المللی در زمره‌ی مهم‌ترین محل‌های تبادل فرهنگی است، حفاظت از محیط‌زیست باید فرصت‌های مسئولانه و هدایت‌شده‌ای را به منظور کسب تجربه و شناخت دست اول از میراث و فرهنگ آن جامعه برای اعضای جامعه‌ی میزبان و بازدیدکنندگان فراهم کند.

میراث طبیعی و فرهنگی یک ذخیره‌ی مادی و معنوی است که داستان توسعه‌ی تاریخی جامعه را بازگو می‌کند. این میراث نقشی مهم در زندگی مدرن دارد و باید برای عموم به‌لحاظ عینی، فکری و یا احساسی قابل دسترسی باشد. برنامه‌های حفظ و نگهداری از ویژگی‌های طبیعی و جنبه‌های ناملموس، ظواهر فرهنگی امروزی و بافت کلی، باید شناخت و درک اهمیت میراث را به شیوه‌ای معقول و قابل دسترس برای جامعه‌ی میزبان و گردشگر آسان کند" (سقایی، ۱۳۸۶، <http://touristy.blogfa.com/cat-22.aspx>).

از فواید زیست‌محیطی گردشگری می‌توان توجه به عمران و آبادانی محیط‌زیست و بناهای روستایی را ذکر کرد.

"موفقیت گسترش گردشگری روستایی به محیط‌زیست جذاب بستگی دارد. بنابراین گردشگری هم درآمد ایجاد می‌کند و هم انگیزه‌ی حفظ، حمایت و آبادانی محیط‌زیست طبیعی روستا را ایجاد می‌کند؛ از حفظ و آبادانی فضاهای تاریخی مثل خانه‌های روستایی، باغ‌ها و گردشگاه‌ها، حمایت می‌کند. (همچنین گردشگری سبب بازسازی ساختمان‌های قدیمی و متروک روستا می‌شود). با انجام فعالیت‌هایی از قبیل دفع زباله، تنظیم آئین‌نامه‌های ترافیک و اصلاح ساختمان‌ها، منجر به بهبود محیط‌زیست در دهکده‌ها و روستاها می‌شود" (شارپلی، ۱۳۸۰: ۴۲).

البته در بحث توریسم آسیب‌های زیست‌محیطی که به‌موجب گردشگری بر طبیعت وارد می‌شوند را نمی‌توان نادیده گرفت. برای تحقق توسعه پایدار باید تلاش شود تا گردشگری باعث آسیب به میراث طبیعی - فرهنگی نشود.